تعارض ارزشی بین والدین و فرزندان از دیدگاه دانش‌آموزان شهرستان آمل و عوامل مرتبط با آن

علی‌رضا کلدی*، مرتضی جمشیدی**

طرح بحث: *مطالعهٔ تعارض ارزشی بین والدین ـ فرزندان جهت شناخت عوامل مرتبط با آن از اهمیت خاصی برخوردار است. وجود تعارض ارزشی بین والدین و فرزندان در جامعهٔ ما به‌زعم محققان (یوسفی، ۱۳۸۲) اهمیت انجام چنین مطالعه‌ای را بیشتر نشان می‌دهد.*

از جمله اهداف تحقیق، شناخت نظام ارزش‌های دو نسل (پدران و فرزندان)، و تعیین شکاف ارزشی و علل و عوامل مرتبط با آن می‌باشد.

روش تحقیق: *در این تحقیق پیمایشی، برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسش‌نامه به عنوان ابزار تحقیق استفاده شده و پایایی سوالات آن نیز براساس ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شده است. جامعهٔ آماری پژوهش، دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستان آمل بودند که از میان آنها ۲۴۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند.*

یافته‌ها: *این تحقیق نشان داد که که از نظر دانش‌آموزان، بین تشتّت ارزشیِ پرسیده‌شده بین دو نسل، گروه مرجع بودن پدران برای فرزندان، میزان فردگرایی فرزندان، سبک‌های تربیتی والدین (مستبدانه، مقتدرانه، سهل‌گیرانه)، بحران هویت فرزندان، تازگی پیام ارزشی از طرف پدران، وضوح در ارزش‌های پدران، با تعارض ارزشی بین پدران ـ فرزندان رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد.*

کلید واژه‌ها: تعارض ارزشی، دانش‌آموزان، والدین

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۷/۱۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۴/۱۲/۳

* دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی<a.r.kaldi@uswr.ac.ir>

** کارشناس ارشد علوم اجتماعی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

مقدمه

ارتباط فرایندی است که از طریق آن "پیام‌ها" صرف‌نظر از ماهیت آن و وسیله‌ای که به‌کار برده می‌شود از فردی به فرد دیگر انتقال پیدا می‌کند، و به این ترتیب کنش متقابل امکان‌پذیر می‌شود (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۹).

ارزش‌ها در زمرهٔ مشخصه‌های مهم جوامع هستند. ارزش‌ها در ابعاد مختلف کنش تاثیرات عظیمی در پی دارند که قابل مشاهده است. بیشتر کنش افراد ناشی از درونی شدن ارزش‌های جامعه در طی دورهٔ رشد فرد است و درونی شدن ارزش‌ها در هر نسل به پیدایش "نسل ارزشی" آن جامعه در مقطعی خاص بستگی دارد (یوسفی، ۲۷:۱۳۸۳).

مفهوم ارزش از مفاهیمی است که بسیاری از محققان در حوزه‌های مختلف همچون فلسفه، تربیت، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی بدان توجه نموده‌اند (خلیفه، ۱۳۷۸: ۱۵).

طبیعی است که هر نسلی نگران دستاورد گرانبهای خود باشد و از نسل بعد از خود توقع داشته باشد که این دستاوردها را پاس بدارد و به ارزش‌ها و هنجارهای آن گردن نهد و بسان یک امانت آن را به نسل بعد بسپارد؛ اما همواره نسل‌های جدید، نسبت به ارزش و اهمیت آن دستاوردها ناآگاه‌اند، چون درک نکرده‌اند چه سرمایه های گرانبهایی برای آن صرف شده است و به همین دلیل نسبت به آنها بی‌توجهی روا می‌دارند و به اقتضای جوانی به دنبال الگوها و ارزش‌های جدید می‌روند (علیخانی، ۱۳۸۲: ۲۹).

ارزش‌ها آرمان‌های انتزاعی هستند، حال آنکه هنجارها نشان‌دهندهٔ اصول و قواعد معینی هستند که از مردم انتظار می‌رود آنها را رعایت کنند. هنجارها نشان‌دهندهٔ بایدها و نبایدها در زندگی اجتماعی هستند (اعرابی،۱۳۷۳: ۶۵). به نظر بالس، نظریه‌پردازان فرهنگ عامه و نیز تاریخ‌نگاران بر این اعتقادند که ظاهرا در حدود هر ۱۰ سال شکل جدیدی از ذهنیت نسلی ظهور می‌کند (بالس، ۱۳۸۰: ۶).

عدم تمایز بین معانی متعدد از نسل ـ از قبیل نسل به معنای تبارشناسی و نسل به معنی هم‌دوره‌ای ـ زمینه‌ساز اختلاط معانی از نسل شده است (آزاد ارمکی، غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷). برای بررسی شکاف نسلی بین فرزندان و والدین، مطالعاتی صورت گرفته است (گیلک، ۱۳۷۳؛

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

زین‌آبادی، ۱۳۷۷؛ تیموری، ۱۳۷۸). در اغلب این پژوهش‌ها ارزش‌های مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بین دو نسل مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعات نشان می‌دهند که پدیدهٔ شکاف نسل‌ها یک پدیده عام بوده و با توجه به شرایط متفاوت جامعه‌پذیری والدین و فرزندان در جامعه مورد مطالعه عمومیت دارد. همچنین مطالعات دیگری از احتمال تاثیر تضاد والدین و فرزندان بر رفتارهای اجتماعی منفی از ناحیه فرزندان حمایت می‌کنند (Shek,2001;Stephenson et al, 1998;Todd,1972; Rajput, 1999).

هویت یعنی توازن میان خود و دیگران برقرار کردن. در برخی فرهنگ‌ها نیز هویت را مترادف با شخصیت و اصلیت آورده‌اند. عدم موفقیت یک نوجوان در شکل دادن به هویت فردی خود ـ اعم از اینکه به‌علت تجارب نامطلوب کودکی یا شرایط نامساعد فعلی باشدـ بحرانی ایجاد می‌کند که بحران هویت یا گم‌گشتگی نام دارد (شرفی، ۱۳۸۰: ۱۸). و این دریچه‌ای است که از آن می‌توان به مسألهٔ شکاف نسل‌ها و بحران ارزش‌ها در دوره‌هایی از حیات نگریست و دربارهٔ آن تأمل کرد.

هدف از انجام این تحقیق شناخت نظام ارزش‌های متفاوت دو نسل (پدران و فرزندان) و سنجش تعارض ارزشی بین این دو نسل می باشد. همچنین شناخت عواملی که باعث بروز تعارض ارزشی بین والدین و فرزندان نوجوان شده می‌باشد. وجود تعارض ارزشی موجب اصطکاک و انفکاک شده و روابط نسلی را خدشه‌دار ساخته و عدم وجود این تعارض می‌تواند موجب برقراری نظم اجتماعی شود.

۱) مبانی نظری

یکی از موضوعات مهم در شکاف نسلی، نارسایی در فرایند انتقال ارزش‌ها و هنجارها به نسل جدید است. به اعتقاد پارسونز، در جامعه مساله‌ای به نام انتقال ارزش‌های اساسی به افراد وجود دارد و این ارزش‌ها هستند که کیفیت عمل افراد را تعیین می‌کنند و در تداوم نظم اجتماعی سهیم‌اند. شکاف نسلی از یک طرف متاثر از ارزش‌های اجتماعی است که شامل تضاد هنجاری، نظارت اجتماعی، تضاد خانوادگی، فردگرایی و سبک‌های تربیتی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

است و از طرف دیگر، نشأت گرفته از ارزش‌های فرهنگی از جمله تشتت ارزشی، بحران هویت و... می‌باشد.

شکاف ارزشی بین‌نسلی، فاصله افتادن بین ارزش‌های دو نسل است به‌طوری‌که ارزش‌های این دو با همدیگر مطابقت نداشته باشند.

استفاده والدین از سبک‌های تربیتی خاص، از جمله برهان‌آوری در مقابل اعمال قدرت، آثار متفاوتی بر درونی کردن ارزش‌ها و عقاید والدین توسط فرزندان دارد.

از دیدگاه زیمل، در فرایند جامعه‌پذیری، پارادایم تعاملی در مقابل پارادایم شرطی، والدین را به‌عنوان عاملان خاص پرورش در دوران کودکی و نوجوانی فرزندان مورد توجه قرار می‌دهد و خانواده از طریق آموزش هنجارها و انتقال ارزش‌ها و نظم اجتماعی به فرزندان فرایند جامعه‌پذیری را عملی می‌گرداند.

رهیافت معمول در جامعه‌پذیری بیشتر از تاکیدات سنتی بر دلیل‌آوری و اعمال قدرت تاکید می‌کند و به مثابهٔ طیفی است که در یک طرف آن فقدان هرگونه کنترل و طرف دیگر آن اعمال قدرت، حتی با توسل به مجازات فیزیکی قرار دارد.

درونی کردن ارزش‌ها، نتیجهٔ تمایل فرزندان در پیروی از ویژگی‌های مثبت والدین است. بنابراین والدینی که بر روش‌های محبت‌آمیز مانند تعامل با فرزندان و پذیرش انان و نیز ارائه تجربه‌های مناسب خود برای درک بیشتر ارزش‌های اجتماعی توسط فرزندان تاکید می‌نمایند از بروز تعارض ارزشی بین خود و فرزندان پیشگیری می‌نمایند.

۲) روش

۲-۱) جامعهٔ آماری و روش نمونه گیری

در این تحقیق پیمایشی، جامعهٔ آماری شامل دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی دخترانه ـ پسرانه شهرستان آمل می‌باشند که در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ تعداد آنها ۹۵۷ نفر **است**. از آنجا که در این شهرستان چهار مرکز پیش‌دانشگاهی (دو مرکز دخترانه ـ دو مرکز پسرانه) وجود دارد، در ابتدا، از چهار مرکز، دو مرکز به تفکیک جنس انتخاب شد. بدین ترتیب، از مراکز

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

انتخاب شده به نسبت مساوی کلاس‌هایی را به‌صورت تصادفی انتخاب نموده و برای هر کلاس انتخاب شده، به‌صورت مساوی و تصادفی، به ۴۰ نفر پرسش‌نامه ارائه شد. در مجموع، نمونهٔ آماری ۲۴۰ نفر می‌باشند.

۲-۲) ابزار پژوهش

متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش در قالب سوالات مشخصات فرزندان (۶ سوال)، پدران (۹ سؤال) و ۸۸ گویهٔ مربوط به سنجش تعارض ارزشی بین والدین ـ فرزندان شامل شکاف ارزشی بین‌نسلی (کمرنگ شدن مذهب در بین نوجوانان)، نظارت ارزشی (امر و نهی والدین به فرزندان)، تضاد هنجاری (تقلید در لباس پوشیدن)، تضاد خانوادگی (پرخاشگری در خانه)، فردگرایی (خودمداری)، تشتت ارزشی (همنشینی با دوستان)، وضوح ارزشی، حشو پیام (زاید، کهنه و تکراری بودن برخی موضوعات)، تازگی پیام، سبک تربیتی (مستبدانه، مقتدرانه، سهل‌گرایانه)، گروه مرجع، بحران هویت و ریای ارزشی بر اساس طیف پنج قسمتی لیکرت و تعیین میزان موافقت یا مخالفت با هر یک از گویه‌ها مشخص شدند. همچنین اعتبار ابزار اندازه‌گیری (پرسش‌نامه) با محاسبهٔ ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۶) به‌دست آمد که از پایایی بالا و معتبری برخوردار است.

۳) یافته‌ها

در این تحقیق، همهٔ داده‌ها به‌وسیله کامپیوتر به کمک نرم‌افزار SPSS برای هریک از متغیرها به روش Compute انجام و همبستگی بین متغیر وابسته و مستقل به‌وسیله ضریب همبستگی پیرسون به شرح زیر به‌دست آمد.

جدول شمارهٔ ۱ وجود رابطهٔ بین تشتت ارزشیِ پرسیده شده بین دو نسل، گروه مرجع بودن پدران، تضاد خانوادگی، فردگرایی فرزندان، بحران هویت فرزندان، تازگی ارزشی از طرف پدران، وضوح در ارزش‌های پدران با تعارض ارزشی دو نسل را نشان می‌دهد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

جدول ۱: همبستگی بین تشتت ارزشی، الگوپذیری از پدران و تعارض ارزشی دو نسل

نام متغیر	میزان همبستگی	سطح معنی‌داری
تشتت ارزشی	-۰/۲۴	۰/۰۳
الگوپذیری از پدران	۰/۳۶	۰/۰۲
تضاد خانوادگی	۰/۲۳	۰/۰۴
فردگرایی فرزندان	۰/۲۶	۰/۰۴
بحران هویت فرزندان	۰/۳۹	۰/۰۱
تازگی ارزشی از طرف پدران	-۰/۳۳	۰/۰۴
وضوح در ارزش‌های پدران	۰/۳۳	۰/۰۵

ردیف اول در جدول شماره ۱ بیانگر میزان همبستگی بین تشتت ارزشی و تعارض ارزشی بین پدران و فرزندان آنها می‌باشد. سطح معنی‌داری (sig = ۰/۰۳) بیانگر رابطه معنی‌دار بین دو متغیر است.

ردیف دوم در جدول شماره ۱ بیانگر میزان همبستگی بین میزان الگوپذیری از پدران و تعارض ارزشی بین دو نسل می‌باشد. سطح معنی‌داری (sig=۰/۰۲) بیانگر معنی‌داری رابطه بین دو متغیر می‌باشد.

ردیف سوم درجدول شماره ۱ بیانگر میزان همبستگی بین تضاد خانوادگی با تعارض ارزشی بین پدران با فرزندان می‌باشد. سطح معنی داری (sig = ۰/۰۴) بیانگر معنی‌دار بودن رابطه بین دو متغیر می‌باشد.

ردیف چهارم در جدول شمارهٔ ۱ بیانگر میزان همبستگی بین فردگرایی فرزندان با تعارض ارزشی بین پدران با فرزندان می‌باشد. سطح معنی‌داری (sig=۰/۰۴) بیانگر معنی‌دار بودن رابطهٔ بین دو متغیر می‌باشد.

ردیف پنجم در جدول شمارهٔ ۱ بیانگر میزان همبستگی بین بحران هویت فرزندان با تعارض ارزشی بین پدران و فرزندانشان می‌باشد. سطح معنی‌داری (sig =۰/۰۱) بیانگر معنی‌دار بودن رابطه بین دو متغییر می‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

ردیف ششم در جدول شماره ۱ بیانگر میزان همبستگی بین تازگی ارزشی از طرف پدران با تعارض ارزشی بین دو نسل را نشان می‌دهد. سطح معنی‌داری (sig=۰/۰۴) بیانگر معنی‌داری رابطه بین دو متغیر مذکور می‌باشد.

ردیف هفتم در جدول شمارهٔ ۱ بیانگر میزان همبستگی بین وضوح در ارزش‌های پدران با تعارض ارزشی بین پدران با فرزندان می‌باشد. سطح معنی‌داری (sig=۰/۰۵) بیانگر معنی‌داری رابطه بین دو متغیر مذکور می‌باشد.

همچنین جدول شمارهٔ ۲ فقدان رابطه بین تضاد هنجاری، نظارت پدران، ریای پدران و حشو ارزشی با تعارض ارزشی دو نسل را نشان می‌دهد.

جدول ۲: فقدان همبستگی بین تضاد هنجاری، نظارت پدران، ریای پدران و حشو ارزشی و تعارض ارزشی دو نسل

نام متغیر	میزان همبستگی	سطح معنی‌داری
تضاد هنجاری	۰/۰۶۱	۰/۶۱
نظارت پدران	۰/۰۸	۰/۴۶
ریای پدران	۰/۱۶	۰/۱۸
حشو ارزشی	۰/۰۴	۰/۷۰

فرضیهٔ بعد، چنین مطرح شده بود که به نظر می‌رسد بین سبک‌های تربیتی والدین (مستبدانه ـ مقتدرانه ـ سهل‌گیرانه) با تعارض ارزشی پدران با فرزندان رابطه وجود دارد. در جدول شمارهٔ ۳ همبستگی هرسه سبک تربیتی ارائه می‌شود.

جدول۳: همبستگی بین سبک‌های تربیتی (مستبدانه- مقتدرانه و سهل‌گیرانه)

نام متغیر	میزان همبستگی	سطح معنی‌داری
مستبدانه	۰/۱۷	۰/۱۳
مقتدرانه	۰/۰۶	۰/۶۰
سهل‌گیرانه	-۰/۲۰	۰/۰۵

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

جدول مذکور بیانگر میزان همبستگی سه سبک تربیتی (استبدادی ـ مقتدرانه ـ سهل‌گیرانه) با تعارض ارزشی دو نسل می‌باشد.

همان‌طور که جدول شمارهٔ ۳ سطح معنی‌داری آنها نشان می‌دهد بین سبک‌های تربیتی استبدادی و مقتدرانه رابطهٔ معنی‌داری وجود ندارد، اما میزان همبستگی سبک تربیتی سهل‌گیرانه با تعارض ارزشی دو نسل با سطح معنی‌داری (sig =۰/۰۵) بیانگر معنی‌دار بودن بین این دو متغیر می‌باشد.

فرضیه بعد چنین عنوان شده، بنظر می‌رسد بین جنسیت (پسر، دختر) و تعارض ارزشی فرزندان با پدران رابطه وجود دارد.

هنگامی که دو نمونه داشته باشیم که از دو جامعه باشند و بخواهیم میانگین‌های آنها را با هم مقایسه کنیم از آزمون T test استفاده می‌کنیم.

جدول۴: مقایسهٔ میانگین‌های تعارض ارزشی بر اساس جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی‌داری
پسر	۳۸	۴۲/۲۶	۱۲/۰۷	۱/۵۴	۰/۱۲
دختر	۳۵	۳۸/۱۴	۱۰/۵۸		

جدول فوق بیانگر مقایسه میانگین‌های تعارض ارزشی فرزندان (دختر و پسر) نسبت به پدران می باشد. با توجه به نتایج به‌دست آمده از آزمون لوین که بیانگر یکسانی واریانس دو جامعه است این نتیجه حاصل شده که میانگین‌های به‌دست آمده از دو جامعه تفاوت معناداری نسبت به هم ندارند [با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۱۲].

۴)بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، بین تضاد هنجاری و تعارض ارزشی دو نسل رابطهٔ معنی‌دار وجود ندارد. همچنین، بین تشتت ارزشی و تعارض ارزشی بین دو نسل رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد و همبستگی به‌دست آمده بین دو متغیر در جهت معکوس و با

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد.

بر اساس نظریه‌های تشتت ارزشی، از آنجا که انسان در جامعه با گروه‌های مختلف سروکار دارد و در هر یک از گروه‌ها ارزش‌های خاصی حاکم است و نسل فرزندان در چنین وضعیتی با ارزش‌های متنوع و بعضاً متناقض روبرو می‌شوند، این امر می‌تواند به عنوان عاملی در تشتت ارزشی دو نسل شده و به نوبهٔ خود سبب تعارض ارزشی دو نسل گردد؛ و از آنجا که میانگین محاسبه شده این دو متغیر نزدیک به‌هم می‌باشند می توان اظهار داشت که بر هم اثر می‌گذارند، ولی چون رابطهٔ همبستگی معکوس نشان داده شده می‌توان نتیجه گرفت که دانش‌آموزان مورد پرسش، نهایتاً در هنگام تشتت به ارزش‌های والدین روی آورند. این امر باعث می‌گردد که هرچه تشتت ارزشی (ارزش‌های خانواده با ارزش‌های بیرون خانه) بیشتر باشد دانش‌آموزان به ارزش‌های والدین روی بیاورند و نهایتاً تعارض ارزشی کمتری مشاهده گردد و برعکس هرچه تشتت ارزشی کمتر گردد دانش‌آموزان به ارزش‌های مستقل و خلاق خود روی بیاورند و تعارض ارزشی بین دو نسل را بیشتر کند.

همچنین ملاحظه شد که بین میزان گروه مرجع بودن پدران با میزان تعارض ارزشی دو نسل رابطهٔ معنی‌دار وجود دارد و جهت همبستگی بین دو متغیر معکوس می‌باشد، یعنی هرچه پدران کمتر گروه مرجع فرزندانشان باشند بیشتر تعارض ارزشی بین آنها به‌وجود می‌آید و این رابطه با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌گردد. این تحقیق نشان داد که بین نظارت پدران با تعارض ارزشی رابطه معنی‌داری وجود ندارد و همبستگی به‌دست آمده بین دو متغیر معنی‌دار نمی‌باشد. هرچه میزان تضاد خانوادگی بالا رود میزان تعارض ارزشی نیز بالا می‌رود و برعکس با ۹۹ درصد اطمینان فرضیهٔ مربوطه تأیید می‌گردد. بر طبق نظریه‌ها ملاحظه می‌شود که تضاد والدین ـ فرزندان و رفتار اجتماعی نوجوانان بر همدیگر تأثیر می‌گذارند و این دو دارای همبستگی می‌باشند. هر چه فردگرایی نسل فرزندان بالاتر رود میزان تعارض ارزشی بالاتر می‌رود و برعکس. بنابراین بین این دو متغیر رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. بر طبق نظریه‌های فردگرایی ملاحظه می‌شود که با افزایش فردگرایی در بین نسل فرزندان پایبندی ایشان به ارزش‌های نسل پیشین کمتر می‌گردد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

تحلیل داده‌ها نشان داد که بین دو سبک تربیتی (مستبدانه، مقتدرانه) با متغیر تعارض ارزشی رابطهٔ معنی‌داری وجود ندارد. ولی برای سبک تربیتی سهل‌گیرانه با متغیر تعارض ارزشی رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد. یعنی هرچه سبک تربیتی سهل‌گیرانه‌تر گردد تعارض ارزشی بین دو نسل بیشتر می‌گردد.

بر طبق نظریه‌های بحران هویت، هرچه هویت فرهنگی فرزندان بیشتر دچار بحران و درهم‌ریختگی گردد کمتر قادر به فهم ارزش‌های نسل پیشین خواهند بود. بدین ترتیب، بین این دو متغیر رابطهٔ معنی‌داری می باشد و جهت همبستگی هم مثبت است، یعنی با اطمینان ۹۹ درصد معنی‌داری این رابطه تأیید شده است. همچنین هرچه بحران هویت فرزندان بیشتر باشد تعارض ارزشی این دو نسل بیشتر می‌گردد و برعکس.

از سوی دیگر بین تازگی ارزش‌های پدران با تعارض ارزشی رابطهٔ معنی‌داری وجود دارد و جهت همبستگی این دو متغیر منفی می‌باشد، یعنی هرچه تازگی ارزشی پدران کمتر باشد تعارض ارزشی بیشتر می‌گردد و با ۹۹ درصد اطمینان این فرضیه تأیید شده است.

هرچه وضوح ارزش‌های پدران برای فرزندان کمتر باشد تعارض ارزشی بیشتر می‌گردد و برعکس. این قضیه با اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد و فرضیهٔ مورد آزمون تأیید می‌گردد.

میانگین‌های تعارض ارزشی بر اساس جنسیت نشان می‌دهد که بین تعارض ارزشی و جنسیت (دختر یا پسر بودن) رابطهٔ معنی‌داری وجود ندارد. البته این قضیه در برخی تحقیقات تأیید شده و در برخی تحقیقات تأیید نشده است.

این نتایج مطابق دیدگاه اینگلهارت (۱۳۸۲: ۱۱۵) است که معتقد است دگرگونی حاصل شده در جامعه بر مبنای تحولات اقتصادی و اجتماعی است که در قالب دگرگونی فرهنگی و در چارچوب سمت‌گیری‌های ارزشی منجر به تفاوت‌های نسلی می‌شود. در نتیجه دگرگونی‌های فرهنگی هم به تفاوت در میان نسل‌ها می‌انجامد. همچنین یافته‌های این تحقیق مبنی بر وجود تعارض ارزشی بین‌نسلی، نتایج تحقیقات قبلی (تیموری، ۱۳۷۸؛

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

زین‌آبادی، ۱۳۷۷؛ Shek, 2001) را تایید می‌نماید.

ارزش‌های اجتماعی مشترک در ردیف مهم‌ترین عوامل همبستگی اجتماعی قرار دارند و عنصر مهم وحدت روانی اشخاص به‌شمار می‌آیند. بر همین اساس مطالعهٔ تعارض بین والدین ـ فرزندان جهت شناخت عوامل مرتبط با ان از اهمیت خاصی برخوردار است. از انجا که تعارض ارزشی بین والدین و فرزندان در جامعهٔ ایران در دو دههٔ اخیر با سوال بیشتری روبرو می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۳)، اهمیت چنین مطالعه‌ای را بیشتر نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این تحقیق، به نظر می‌رسد پارادایم تعاملی جورج زیمل می‌تواند مدل مناسبی برای کاهش تعارض ارزشی بین‌نسلی باشد.

۵) پیشنهادات

از آن‌جا که گروه مرجع بودن، تضاد خانوادگی، سبک‌های تربیتی، تازگی پیام ارزشی از طرف پدر، وضوح ارزش‌ها از طرف پدر، به‌عنوان متغیرهای تاثیرگذار در تعارض ارزشی شناخته شده‌اند و بیشتر به والدین فرزندان بستگی دارند و با توجه به در حال گذار بودن جامعه و به چالش طلبیدن نظم سنتی، والدین از طریق آموزش‌های مناسب به‌ویژه از طریق گردهمایی‌ها در انجمن‌های اولیاء و مربیان این مطلب را خوب درک می‌کنند که جامعه دستخوش تغییر شده است و وضعیت جدید، فکر، احساس، سبک رفتاری و... جدید را می‌طلبد. از این لحاظ باید به فرزندان خود حق بدهند و آنان را دشمن متعلقات خود ندانند. همچنین از طریق انجمن‌های فوق، آموزش‌های متناسب دانش‌آموزان به عنوان نوجوانان در سن بحران بلوغ برای فرهنگ‌پذیری در فرایند اجتماعی شدن تدارک دیده شود.

از آن‌جا که فرد گرایی، بحران هویت، و تشتت ارزشی، به‌عنوان متغیرهای تاثیرگذار بر تعارض ارزشی شناخته شده‌اند و بیشتر به فرزندان بر می‌گردد، از طریق این آموزش‌های مناسب، به فرزندان نیز پیشنهاد شود که چشم و گوش بسته به همه چیز پشت پا نزنند و این مطلب را فراموش نکنند که به هر صورت به مواریث فرهنگی گذشته نیز به‌طور مطلق نمی‌توان پشت پا زد، و آگاهی را با اعتقاد و ایمان پیوند دهند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

برخی تحقیقات (یوسفی،۱۳۸۳) نشان می‌دهد که صداقت در رفتار و گفتار عاملان جامعه‌پذیری نیز عامل مهمی در همگرایی جامعه‌پذیرشوندگان و جامعه‌پذیرکنندگان است. والدین و فرزندان در این جریان آموزشی متاثر از آگاهی و اعتقاد، هر دو درک می‌نمایند که تفاوت‌های همدیگر را بپذیرند و خود را جای دیگری قرار دهند و همدیگر را در رفع تعارض ارزشی با تعامل با یکدیگر مدد رسانند.

مسئولان نهادهای فرهنگی، آموزشی و خانواده‌ها با تشریک مساعی با یکدیگر قادر خواهند بود ضمن تاکید بر مشارکت فعال در امر سلامت اجتماعی، بر تقویت هویت فرهنگی نسل فرزندان اهتمام بیشتری داشته باشند و نسل سوم بعد از انقلاب را از سرگردانی در بی‌هویتی و سوءفهم در هویت خود رها سازند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

منابع

References

۱. آزاد ارمکی، تقی. غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳)، **جامعه‌شناسی نسلی در ایران**، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

۲. اعرابی، نادره. (۱۳۷۳)، **انتقال ارزش از طریق تلویزیون ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

۳. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲)، **تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی**، (مریم وتر)، تهران، انتشارات کویر.

۴. بالس، کریستوفر. (۱۳۸۰)، **ذهنیت نسلی**، (حسین پاینده)،. تهران، ارغنون، شماره ۱۹.

۵. تیموری، کاوه. (۱۳۷۸)، **بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل موثر بر آن در شهر تهران**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

۶. خلیفه، عبداللطیف محمد. (۱۳۷۸)، **بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها**، (سیدحسین سیدی)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

۷. زین‌آبادی، مرتضی. (۱۳۷۷)، **بررسی سلسله مراتب ارزشی پدران و پسران در خانواده‌های ساکن در شهرستان مشهد و عوامل موثر بر آن**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.

۸. شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۰)، **جوان و بحران هویت**، تهران، انتشارات سروش.

۹. علیخانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۲)، **نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها**، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

۱۰. گیلک، عبدالامیر. (۱۳۷۳)، **بررسی سلسله مرتب ارزش‌های نوجوانان پسر و والدین آنها**، تهران، دفتر مشاوره و تحقیق وزارت آموزش و پرورش.

۱۱. محسنی، منوچهر. (۱۳۷۹)، **بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی ـ فرهنگی در ایران**. تهران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.

۱۲. یوسفی، نریمان. (۱۳۸۳)، **شکاف بین‌نسل‌ها**، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

13. Rajput, J. S. (1999), **Education in a Changing World**, Vikas.

14. Shek, A. et al. (2001), **Value Conflict, Parents-Children and Social Behavior**, London, SAGE.

15. Stephenson, J. et al. (1998), **Values in Education**, London, Routledge.

16. Todd, J. E. (1972), **Social Norms and the Behavior of College Students**, AMS Press.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-31]